

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوسمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سخنی با رئیس جمهور محترم
و مجلس شورای اسلامی

در مورد
مشکلات مالی مرکز
دائرة المعارف
بزرگ اسلامی



سال سی و ششم ♦ شماره ۲۱ ♦ شماره مسلسل ۱۵۱۵ ♦ نیمه اول بهمن ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

علمای اسلام با صدای بلند از تکفیر برائت جویند



صفحه ۲

آیت الله اراکی:

اهل بیت داعیه
داران وحدت و
پرچمداران الفت
هستند



صفحه ۳

حجت الاسلام والمسلمین رشاد:

جامعه دچار
سقوط اخلاقی
است



صفحه ۸

سقوط بازار کتاب و افول صنعت نشر

چرا ناشری یک میلیارد از کتابهایش را خمیر کرد

صفحه ۷

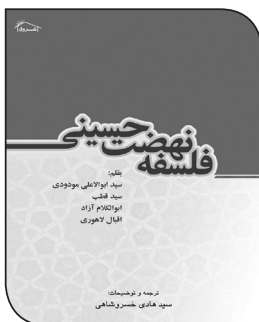
موازین شرعی مبارزات نواب صفوی و فدائیان اسلام

گفتاری از استاد خسروشاهی

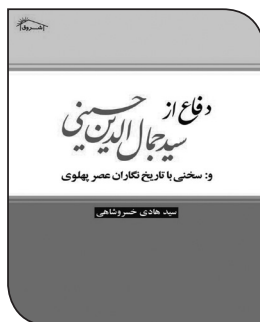
صفحات ۴ و ۵ و ۶



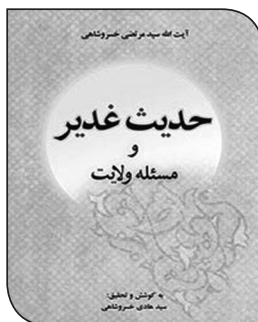
مجموعه‌ای از کتب انتشارات کلبه شروق



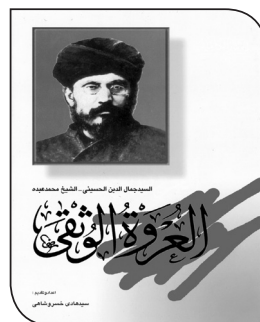
فلسفه نهضت حسینی



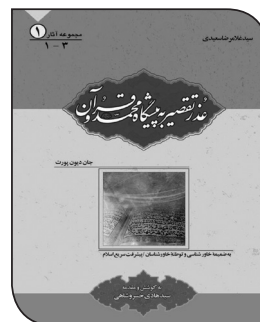
دفاع از
سید جمال الدین حسینی



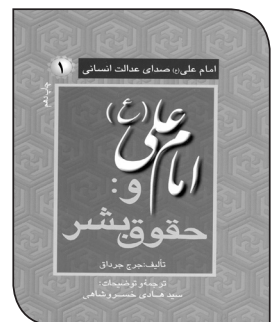
حدیث غدیر و
مسئله ولایت



مجموعه ۷ جلدی آثار
سید جمال الدین حسینی



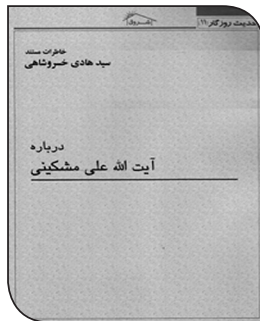
۳۳ عنوان از آثار استاد سید
غلامرضا سعیدی در ۱۰ جلد



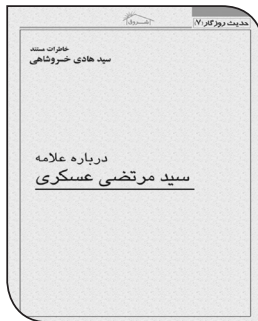
مجموعه ۵ جلدی امام علی (ع)
صدای عدالت انسانی



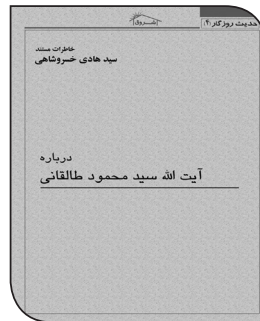
خاطرات مستند درباره
احمد بن بلا



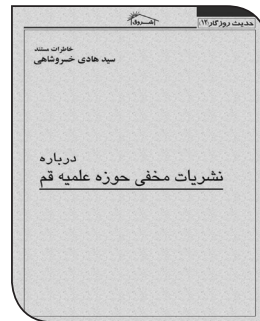
خاطرات مستند درباره
آیت الله علی مشکینی



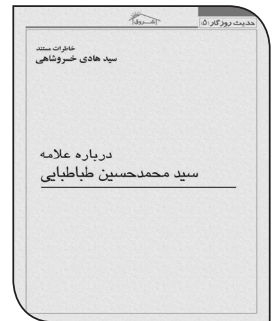
خاطرات مستند درباره
سید مرتضی عسکری



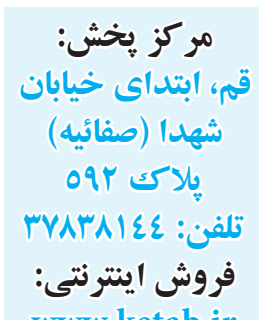
خاطرات مستند درباره
آیت الله سید محمود طالقانی



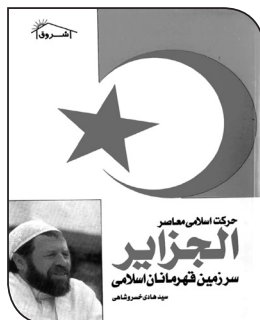
خاطرات مستند درباره
نشریات مخفی حوزه علمیه قم



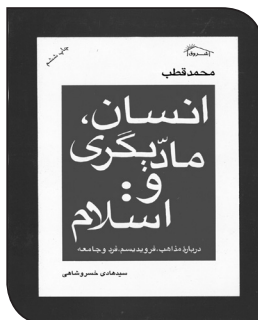
خاطرات مستند درباره
سید محمدحسین طباطبایی



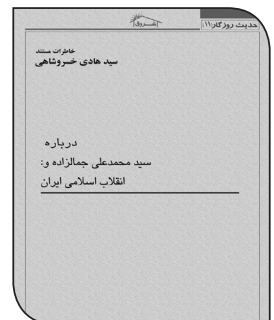
واتیکان، دنیای اسلام و
غرب



انسان، مادیگری و
اسلام



خاطرات مستند درباره
روژه گارودی



خاطرات مستند درباره
سید محمدعلی جمالزاده

مرکز پخش:
قم، ابتدای خیابان
شهدا (صفائییه)
پلاک ۵۹۲
تلفن: ۳۷۸۳۸۱۴۴
فروش اینترنتی:
www.ketab.ir/shorough

همه امت اسلام از تقریب بین مذاهب سود می برند

دبیر کل اتحادیه علمای مقاومت گفت: تغییر موضع قرضای در زمینه تقریب بین مذاهب ناشی از تأثیر پذیری وی از اخوان المسلمین و وهابیت است. «شیخ ماهر حمود» دبیر کل اتحادیه علمای مقاومت در گفتگو با خبرنگار تقریب درباره علل پشیمانی «یوسف قرضاوی» از تلاش برای تقریب بین مذاهب افزود: شیخ یوسف قرضاوی «مدتها جزء افراد آماده گفتگو و صاحب اندیشه بود که با مخاطبانه خود صادقانه گفتگو می کرد و حتی تألیفات پر بار فقهی و تحلیل و شعری دارد، اما متأسفانه از سال ۲۰۰۶ آشکارا مشخص شد که وی افکاری مخالف افکار سابق خود دارد و به محور دشمنان مقاومت روی آورده است و از مذهبیهایی به شمار می رود که تعصب و وابستگی بر عقل آنها غلبه دارد.

وی افزود: تغییر موضع قرضاوی، بسیار گسترده است و نمی توان آن را در قالب چند کلمه و جمله تفسیر کرد، بلکه نیاز به نشستهایی دارد که صاحبان اندیشه آزاد، بدون گرایش به هیچ دولت و حزبی در این مورد به گفتگو بنشینند.

دبیر کل اتحادیه علمای مقاومت افزود: یکی از دلایل اتخاذ این موضع قرضاوی، تأثیرپذیرفتن وی از جنبش تاریخی و وسیع اخوان المسلمین است که متأسفانه به جزئی از توطئه ها علیه سوریه تبدیل شده است و قرضاوی نقش مهمی در آن ایفا می کند.

ماهر حمود با بیان اینکه طبیعت عمومی وهابیت، رد و حذف دیگران است و کاملاً با تفکر وحدت و تقریب مذاهب منافات دارد، تأکید کرد: وجود شیخ یوسف قرضاوی برای مدت طولانی در منطقه خلیج فارس باعث شده است که وی از تفکر وهابی تأثیر پذیرد.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا قرضاوی گفته، فقط شیعه از تقریب بین مذاهب سود می برد نه سنی، گفت: به فرض اینکه این گفته قرضاوی صحیح باشد، باید بگوییم خود اهل سنت مسئول این قضیه هستند، زیرا اوضاع عمومی مؤسسات دینی و سیاسی اهل سنت مدتهاست که دچار ضعف و سستی شده است، با بررسی و مطالعه موضوعی وضعیت مسلمانان از دهها سال قبل تاکنون می توان با اطمینان گفت: شیعه و سنی و کل امت اسلام همه و همه از کوشش های انجام گرفته در زمینه تقریب بین مذاهب بهره می برند.

شیخ ماهر حمود با تأکید بر اینکه وضعیت شیعیان در سه چهار دهه گذشته تغییر کرده است گفت: این تغییر به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیروزی این کشور در جنگ تحمیلی، پیروزی مقاومت لبنان و فلسطین که ایران از آن حمایت می کند و مقاومت ایران در برابر تحریمهای بین المللی و مذاکرات هسته ای و پیوند بین مردم و رهبری بوده است. همه اینها باعث شده قرضاوی و دیگران احساس کنند، شیعه تنها کسی است که از فعالتهای تقریب مذاهب سود برده و اهل سنت از این گفتگوها دچار زیان شده است.

وی با اشاره به بحران موجود در منطقه غرب آسیا خاطرنشان کرد: از پنج سال قبل یعنی از زمان حمله به سوریه، مبالغ هنگفتی برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی هزینه شده است و بر کسی پوشیده نیست که این بحران تاریخی ضرر زیادی به روابط بین شیعه و سنی زده است.

وی در پایان تأکید کرد: از فعالان عرصه تقریب مذاهب اعم از سنی و شیعه انتظار داریم یکدیگر را بپذیرند و از نظریات هم

مطلع باشد، تا بدون دلیل به هم تهمت زنند؛ هر دو طرف باید بکوشند از افراطی گری به دور باشند و اختلافات تاریخی را که به دلایل جنگ و کشتارهای گذشته به وجود آمده است، از میان بردارند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

علمای اسلام با صدای بلند از تکفیر برائت جویند

اسلامی که با عقاید آنان موافق نباشند، مخالفند و خون آنان را هدر می دهند. تکفیری ها معتقدند که اگر کسی در مذهب وهابیت داخل نشود، نزد ما کافر به خداوند است و همه مسلمانان باید با آن ها وارد جنگ شوند؛ بدین ترتیب اعلان جنگ به همه مردم دنیا است.

وی گفت: مسأله تکفیر تا جایی پیش رفته که بدتر از قرون وسطی شده است؛ فتاوی

وحشتناک و ملو از اشتباه علمای تکفیری، ضربه بسیار بزرگی به اسلام و مسلمانان وارد می کند. سرمنشأ تکفیر اشتباه فاحش آنان در مسأله توحید از منظر قرآن و سنت نبوی است؛ آنان چنین می پندارند که هرگونه توسل و درخواست حاجت از پیامبران و اولیاءالله هرچند به صورت شفاعت از درگاه خداوند باشد، شرک و کفر است.

وی اظهار داشت: علمای برجسته جهان اسلام و اندیشمندان دینی باید با خرافات تکفیری مبارزه و مسلمانان و مردم جهان را نسبت به تعلیمات صحیح اسلام آگاه کنند و جلوی خونریزی های بیهوده را بگیرند. امروز بالای تکفیر، بالای جهان اسلام و بشریت است؛ همگان معترفند که راه حل نظامی و سیاسی به تنهایی پاسخگو نیست و باید کار فرهنگی و فکری و رسانه ای کرد تا ریشه های تکفیر خشکانده شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی همچنین با توصیه دوستانه به علمای وهابی به ویژه در عربستان سعودی گفت: تا دیر نشده، افکار تکفیر مسلمانان را از کتاب های خود جدا کنید و از تکفیر اهالی قبله بپرهیزد؛ توصیه می کنم تعلیمات تکفیری را از حوزه های علمیه خود برچینید و در بیانیه های تکفیر را ممنوع کنید؛ کتابخانه های خود را از این عقاید ضاله خالی کنید؛ همانا شجاعت حقیقی در بازگشت از مسیر اشتباه است.

ایشان خاطرنشان کرد: از سفرای کشورهای اسلامی و رسانه های داخلی و خارجی می خواهیم که پیام این همایش و همایش های دیگر را به کشورهای خود و همه مناطق جهان برسانند تا بیش از این شاهد کشتار و ناامنی در جهان نباشیم.



کشتار بی رحمانه مسلمانان و غیرمسلمانان دامن می زنند و از سوی دیگر شعار اسلامی «الله اکبر» سر می دهند. آواره ساختن میلیون ها نفر مسلمان که عده ای از آنان در دریا غرق شدند و عده دیگری از آنان، با ذلت و خاری به کشورهای بیگانه پناهنده شدند؛ دیگر خسارت بزرگی است که به جهان اسلام وارد کردند. تخریب مساجد، آثار باستانی، همچنین تخریب زیربنایهای اقتصادی که تا ۵۰ سال دیگر هم مرمت نمی شود، لکه ننگ دیگری است که بر دامن اسلام و مسلمین گذاشتند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی تأکید کرد: قرآن کریم به مسلمانان توصیه می کند که اگر کسی با شما سر جنگ نداشت، متعرض آن ها نشوید و حتی به آنان نیکی کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. نه تنها نباید متعرض ادیان دیگر شد بلکه باید با آنان یمان دوستی بست؛ اما جریان تکفیری یک احساس ناامنی در تمام دنیا به وجود آورده و معتقد به هیچ برنامه انسانی و اسلامی نیستند.

وی اظهار داشت: برخی تکفیری ها را به گروه خوارج در صدر اسلام تشبیه می کنند در حالی که هرگز خوارج پیشین چنین جنایتهایی را مرتکب نشدند و هرگز مساجد و قبور بزرگان دین را تخریب نکردند و زنان مسلمان را برای فروش به بازار نبردند.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم بیان کرد: خوارج زمان ما قابل مقایسه با خوارج صدر اسلام نیستند و به مراتب از آنان زیان بار تر و خراب کار ترند؛ وظیفه علمای اسلام است که دست در دست هم ریشه این جریان های تکفیری را با منطق بسوزانند.

وی اضافه کرد: عداوت تکفیری ها تنها با شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت (ع) نیست و با تمام مذاهب

دبیر علمی کنگره خطر جریان های تکفیری:

برگزاری کنگره در جلوگیری از رشد و گسترش تکفیر و افراط مؤثر است

رییس جامعه المصطفی العالمیه (ص) تصریح کرد: گفتن اسلامی مدنظر ما باید به سلاقی گوناگون معرفی شوند؛ اما در این همایش هم علمایی وجود داشتند که در همه سلاقی با ما همسو نبوده و تنها در بحث مقابله با تکفیری ها، با ما یک سو بودند.

وی تأکید کرد: در این همایش افرادی وجود داشتند که از تفکر سلفی برخوردار بودند؛ اما حضور در چنین همایشاتی می تواند عقاید سلفی آنان را تسهیل بخشد.

حجت الاسلام والمسلمین اعرافی عنوان کرد: کشورهای اسلامی در یک دهه اخیر به سمت تنوع شبکه های ماهوارهای رفتند؛ با این که برخی از آنان مسیر صحیح اسلامی را پیگیری می کنند اما حدود ۳۰ شبکه ماهوارهای نیز وجود دارند که در برابر همگرایی و وحدت اسلامی جبهه گرفته اند.

وی اظهار داشت: حضرت آیت الله مکارم شیرازی تأکید داشتند که شبکه ای از سوی علمای جهان اسلام شکل بگیرد تا از موضع فعال بر وحدت علمای جهان اسلام در برابر تفرقه افکنی ها و جریان های تکفیری بایستد؛ البته در عملیاتی کردن این طرح هم مانعی وجود ندارد.

رییس جامعه المصطفی العالمیه (ص) بیان کرد: از مرجع عالی قدر حضرت آیت الله مکارم شیرازی و نیز از دبیرخانه و اندیشمندانی که در طول سال اهداف این کنگره را پیگیری می کنند، قدردانی می کنم و امیدوارم که این نتایج به ثمر برسد.

رییس جامعه المصطفی العالمیه (ص)

در پاسخ به سؤالی خاطرنشان کرد: نشست های کنگره ادامه پیدا خواهد و دبیرخانه با حلقه های گوناگون اسلامی ارتباط برقرار می کند؛ همچنین در آینده، نشست هایی در کشورهای دیگر نیز برگزار خواهد شد.

وی همچنین در پاسخ به سؤالی در خصوص دست آوردهای عملی این همایش و کنگره گذشته، یادآور شد: پدیده های انسانی به سادگی قابل شناخت و ارزیابی دقیق نیستند اما این اطمینان را می دهیم که اقداماتی همچون برگزاری کنگره مقابله با تکفیری ها، از پیشگیری رشد و گسترش تکفیر و افراط مؤثر است.

حجت الاسلام والمسلمین اعرافی تأکید کرد: پایه های تفریط و افراط در سیاست گذاری های جهانی قرار گرفته و دلارهای بسیاری برای ترویج تفکرات تکفیری صرف می شود؛ بنابراین نمی توان ارزیابی این کنگره را به صورت اثر مستقیم برداشت کرد.

وی گفت: افراط و تکفیر چنان در کشورهای اسلامی رشد پیدا کرده است که علما هم توان ابراز عقاید اصیل اسلامی را نداشتند؛ برگزاری کنگره سال گذشته و این همایش می تواند گام خوبی در راستای بیان عقاید صحیح اسلامی باشد.



حجت الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی، رییس جامعه المصطفی العالمیه (ص) در نشست خبری پایان همایش بین المللی خطر جریان های تکفیری در دنیای امروز که در محل سالن پیامبر اعظم (ص) مدرسه امام کاظم (ع) اظهار داشت: این کنگره بر شناخت همه جانبه افراط و تفریط تأکید داشته است؛

برای این که کسی محکوم به کفر شود، باید ضوابط دقیقی وجود داشته باشد و کسی که شهادتین را بر زبان جاری کند را نمی توان تکفیر کرد.

وی با بیان این که همواره امکان مقابله فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با جریان های تکفیری وجود دارد، ادامه داد: در این همایش بر کنترل و ارتقای رسانه های جهان اسلام تأکید شد تا رسانه های مسیر افراط و تفریط را طی نکنند.

حجت الاسلام والمسلمین اعرافی ابراز کرد: تأکید کنگره مقابله با تکفیری ها بر این بود که افراط در هر مذهبی محکوم شود؛ برگزاری این کنگره برای گوششدن درهایی است که ارتقای آموزش و پرورش و تولیدات فرهنگی را برای جهان اسلام بیافزیند.

وی افزود: این کنگره از سیاستمداران، روشن فکران، علما و نخبگان سراسر دنیا دعوت می کند که مسیر وحدت و همگرایی را طی کنند.

این همان واقعیت تشیع است

شفقنا: «محمد توفیق علاوی»، وزیر پیشین ارتباطات و نماینده دو دوره گذشته پارلمان عراق در یادداشتی که تحت عنوان «این همان واقعیت تشیع است» روی پایگاه اینترنتی خبرگزاری مستقل «النون» این کشور قرار گرفته، آورده است:

«این اتفاق در اوایل دهه ۶۰ قرن گذشته میلادی در شهر صور در جنوب لبنان روی داده و حاج «محمد فتنی» که هنوز هم در قید حیات است و در آن هنگام تقریباً ۱۳ ساله بود، آن را برای من روایت کرد.

پدر حاج محمد یعنی مرحوم حاج «حسن فتنی» در آن زمان مؤذن و سرپرست مسجد «سید عبدالحسین شرف الدین» بود که امام موسی صدر برای اقامت در شهر صور و امامت مسجد مذکور به این شهر آمد.

در آن هنگام افراد نیازمند در شهر صور در روز جمعه به مسجد سید عبدالحسین شرف الدین می آمدند تا در پایان نماز از نمازگزاران گدایی کنند و این مسئله امام صدر را آزرده خاطر می کرد.

به همین دلیل نیز امام صدر از شیخ «محمد عقیل»، رئیس جمعیت «البر و الاحسان» که سید عبدالحسین شرف الدین آن را تاسیس کرده بود، خواست فهرستی از اسامی گدایان مذکور و تمامی خانواده های نیازمند در شهر صور را تهیه کند.

بر همین اساس نیز فهرست اسامی نیازمندان تهیه گردید و تقدیم امام صدر شد، هنگامی که وی از اسامی مطلع شد، از شیخ محمد عقیل پرسید که آیا در این فهرست تنها اسامی نیازمندان اهل تشیع ذکر شده و شیخ نیز در پاسخ تأکید کرد که تمامی اسامی فهرست از شیعیان هستند.

پس از آن بود که امام موسی صدر فهرست اسامی را پاره کرد و پرسید که آیا در صور نیازمند اهل تسنن وجود ندارد؟ آیا نیازمند مسیحی در شهر نیست؟ پاسخ شیخ محمد به این پرسش ها نیز مثبت بود.

در آن هنگام امام صدر تأکید کرد: فرق گذاشتن میان نیازمند شیعه و نیازمند سنی قابل قبول نیست، فرق گذاشتن میان نیازمند مسلمان و نیازمند مسیحی نیز قابل قبول نیست، من این فهرست را قبول نمی کنم و فهرست جدیدی می خواهم که در بر گیرنده اسامی تمامی نیازمندان شهر صور از اهل تشیع و اهل تسنن و همچنین از مسلمان و مسیحی باشد.

به دنبال آن نیز فهرست جدیدی تهیه شد که اسامی تمامی نیازمندان شیعه، سنی، مسلمان و مسیحی شهر صور را در بر داشت و برای تهیه آن نیز با اسقف «یوحنا حداد» که در آن هنگام در محله مسیحی نشین شهر اقامت داشت، تماس گرفتند تا اسامی خانواده های نیازمند مسیحی را در اختیار آنها قرار دهد.

پس از آن نیز، حاج محمد فتنی با وجود سن کمی که داشت به همراه گروهی از همسن و سال های خود به عنوان مسئول پخش کمک میان خانواده نیازمند تعیین شدند، جایی که کیسه های حاوی کمک هایی از قبیل شکر، برنج، چای، شیر خشک، کنسرو و انواع حبوبات را میان آنها توزیع می کردند.

در آن هنگام حاج محمد آدرس خانه نیازمندان مسلمان شیعه و سنی را می دانست و آدرس خانه مسیحیان نیازمند را نیز از خواربارفروشی های محله مسیحیان می پرسید، در پی آن بود که رابطه میان امام موسی صدر و اسقف یوحنا حداد بسیار مستحکم شد.

این همان شیوه و آیین اهل بیت نبوت (ع) و راه و روش درست اسلامی بوده و با رویکرد فرقه گراهای شیعه و سنی و همچنین رویکرد خوارج زمانه یعنی داعشی و همتایان آن در تضاد است، آنهایی که غارت اموال مسیحیان و مخالفان خود از شیعیان و سنی ها و پیروان دیگر ادیان و مذاهب و همچنین ریختن خون آنها را حلال می شمردند.

آیت الله اراکی:

اهل بیت داعیه داران وحدت و پرچمداران الفت هستند

تقریب این نیست که شیعیان از عقاید خود دست بردارند و یا هر دینی دین دیگر را بپذیرد بلکه حرف ما این است که بر روی مشترکات اسلام تأکید کنیم و همکاری کنیم و بر مبنای این نقاط اشتراک جمع واحد تشکیل دهیم و در زمینه نقاط اختلاف هم در دانشگاهها بحث کنیم و دلیل بیاوریم و کار علمی کنیم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب با بیان این که اگر تمام جوامع اسلامی با هم یکی بشوند و در اقتصاد با هم همکاری کنند و محدودیت‌های تجاری بین کشورهای اسلامی را برداریم و نیازهای جوامع اسلامی را از خود کشورهای اسلامی تهیه کنیم می‌توانیم به خود کفایی برسیم، اظهار داشت: همچنین در سیاست با توجه به این که دشمن واحد اسلام اسرائیل است و دشمنی با دوستان اسرائیل که آمریکا و انگلیس هستند باید متحد شویم و این چیزی است که ما به عنوان وحدت از آن دم می‌زنیم و این وحدت به هیچ کدام از کشورهای اسلامی ضرر نمی‌زند بلکه به سود همه کشورها است.

وی کسی که با وحدت مخالف است را مزدور آمریکا و اسرائیل دانست که در نقشه آنها بازی می‌کند و افزود: علمای شیعه از قدیم تا الان همه این وحدت را قبول دارند و قرآن هم تفرقه را شرک می‌داند و آنچه جوامع اسلامی را از سایر جوامع متمایز می‌کند یکپارچگی است و اگر کشوری این را قبول نداشته باشد و در مسیر ایجاد وحدت قدم بر ندارد اسلامی نیست.

آیت الله اراکی اهل بیت(ع) را داعیه داران وحدت و پرچم داران الفت دانست و اظهار داشت: مظلوم ترین مظلومان عالم که حضرت علی(ع) هستند با این که خلافت را حق او بود برای به دست آوردن خلافت نجنگید و آنها را یاری می‌کرد و این کارها فط برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی بود.

وی با اشاره به جریان حضرت موسی(ع) و هارون در ماجرای گوساله سامری، ابراز داشت: موسی وقتی دید رنج چندین ساله اش از بین رفته و مردم گوساله

آیت الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب در همایش «عصر امام خمینی، تحولات جهانی» که در سالن اجتماعات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برگزار شد، با اشاره به چالش‌های جدی زمان حاضر که روبروی همه خدمت گزاران دینی است، اظهار داشت: مهم ترین چالش امروز چالش پراکندگی و جنگ داخلی و خصومت بین گروه‌ها و گرایش‌ها و مذاهب در درون جامعه اسلامی است.

وی با بیان این که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و تداوم آن با رهبری مقام معظم رهبری امید دشمنان را برای این که بتوانند از بیرون این انقلاب را متوقف کنند و به شکست بکشاند از آنها گرفت، افزود: آنها دیدند که پیشرفت اسلام و بیداری ناشی از این انقلاب، شرّق و غرب عالم را فرا گرفته است و جامعه انسانی اروپا و آمریکا به واسطه این انقلاب امید تازه‌ای گرفت و رژیم‌های استکباری به شکست انجامید.

آیت الله اراکی با اشاره به این که در اروپا خیزش جدید اسلامی رخ داد و نسل جوان پرچم دار اسلام خواهی شد، خاطرنشان کرد: برخلاف خواست سردمداران غربی که انتظار داشتند که نسل نو در فرهنگ غربی ذوب خواهد شد و هویت خود را از دست خواهد داد آنها دیدند که نسل نو جامعه مسلمان غرب، پرچم دار اسلام خواهی شد و تعداد مساجدی که بعد از انقلاب در اروپا و آمریکا ساخته شد ده‌ها برابر قبل از انقلاب بود.

وی با بیان این که امروز بیش از ۳ هزار مسجد در انگلیس ساخته شده است، ابراز داشت: این یعنی انقلاب اسلامی یک نهضت گسترده و وسیع است و اگر این جامعه اسلامی یکپارچه می‌شد یک قدرت جهانی بر مبنای اسلام شکل می‌گرفت و تبدیل به قدرت اول جهانی می‌شد و حرف اول از نظر سیاسی حرف مسلمانان می‌شد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به این که غربی‌ها این خطر را احساس کردند و به توطئه اختلاف میان مسلمانان دامن زدند، یادآور شد: معنای

دعوت از علمای کشورهای اسلامی تاثیر ریشه ای بر تقریب مذاهب دارد



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین مختاری در گفتگو با خبرنگار تقریب(تنا) اظهار داشت: ما یک بخش مهم در پژوهشگاه داریم که به دستور دبیرکل محترم مجمع تقریب به انجام رسیده و از یک ایده نو سرچشمه می‌گیرد.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با اشاره به نتایج تاسیس این نهاد گفت: اولین اثر مفید و ملموس آن بهره‌گیری از نقش علماست؛ علمایی که در جامعه تاثیرگذارند یعنی در میان پیروان مذاهب این عالمان و فرهیختگان هستند که نقش کلیدی و محوری دارند و آن روحیه اطاعت‌پذیری که در بین عامه مردم نسبت به عالمان دینی وجود دارد می‌تواند به عالمان دین به عنوان شخصیت‌های ذی نفوذ، تاثیرگذار و نقش‌آفرین با هم نشست‌های علمی یا گفتمانی داشته باشند.

وی افزود: منظور علمای مذاهب مختلف از درون اهل سنت یا شیعه است؛ این علما وقتی با هم نشست و گفتگویی دارند و اعتقادات خود را ابراز می‌کنند و در نتیجه تأکید بر روی وجوه مشترک می‌کنند به نوعی شفاف سازی می‌کنند و بر اصل وحدت و انسجام و تقریب بین پیروان مذاهب تأکید می‌کنند؛ این می‌تواند اثر مفیدی حداقل در پیشبرد ایده ایجاد وحدت میان مذاهب اسلامی که از امام(ره) از بدو پیروزی انقلاب شروع شد و از سوی مقام معظم رهبری که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را تاسیس فرمودند ادامه یافت، داشته باشد؛ رهبر معظم انقلاب نیز جزء طلایه داران وحدت و تقریب در جهان اسلام هستند و به نظر می‌آید این گونه گفتگوها و این گونه جلسات می‌تواند بسیار اثرگذار باشد.

وی افزود: از جمله ابتکارات دبیرکل محترم تاسیس نهادهای با عنوان مجمع الحواری و وظیفه آن دعوت از

پرست شده‌اند یقه هارون را گرفت ولی هارون گفت من ترسیدم که این قوم متلاشی و پراکنده شوند و دیگر جامعه‌ای نماند تا تو آنها را هدایت کنی و از این معلوم می‌شود که وحدت در جامعه یک اصل است و نباید با اختلافات داخلی جامعه را متلاشی کرد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این که انحراف نباید منجر به جنگ بین ما شود، یادآور شد: این‌ها درس‌های اسلام است و نباید کاری کنیم که در جامعه تفرقه ایجاد شود و کاری که در سوریه و افغانستان اتفاق افتاده است به نفع مسلمانان نیست؛ ما نباید به کلماتی که جامعه ما را به جنگ داخلی می‌کشاند بپردازیم و این جز خواست آمریکا و انگلیس نیست که در کشور اختلاف ایجاد شود.

دبیرکل مجمع تقریب مذاهب با اشاره به نامه امام صادق(ع) که به شیعیان دستور عمل به آن را دادند، اظهار داشت: مطالب زیادی در این نامه آمده است و یک بخش آن این است که از دشنام دادن به دشمنان خدا دوری کنید زیرا آنها هم از روی جهل خدا و اولیای خدا را دشنام می‌دهند و چه کسی ظالم‌تر از کسی است که دیگران را وادار به سب اولیای خدا کند.

وی با بیان این که حضرت علی(ع) برای حفظ وحدت بسیاری از سنت‌های بدعتی که در زمان عمر بود را چشم‌پوشی کرد، افزود: همین اهل سنت بودند که در رکاب حضرت علی(ع) به جنگ می‌رفتند و در جنگ صفین و جمل و دیگر جنگ‌ها جنگیدند و شهید شدند و اگر کسی شیعه علی(ع) است باید به این روایات عمل کند و سیره آن حضرت را دنبال کند.

آیت الله اراکی با اشاره به این که اهل بیت(ع) می‌گفتند که موجب حب ما در قلوب مردم نشوید، خاطرنشان کرد: چگونه می‌شود کسی خود را متشرع بداند و به خود اجازه دهد که در جامعه اسلامی تفرقه ایجاد کند و دعوت به تفرقه و دشمنی مسلمین با هم را بکند.

که علیه شیعه و نظام اسلامی بود خنثی شد. وی افزود: در روزهای گذشته نیز آیت الله نوری همدانی، صافی گلپایگانی و مراجع همه تأکید کردند که این نوع جلسات و گفتگوها بین علمای شیعه و اهل سنت باید ادامه پیدا کند ما از این راه می‌توانیم القابات مسموم دشمن و نقشه‌های تحریک‌آمیز دشمنان را خنثی کنیم و از بین ببریم.

دکتر مختاری با مقایسه کنفرانس وحدت و این گونه دیدارها گفت: کنفرانس وحدت آثار خوب خود را دارد اما مقطعی است؛ این جور برنامه‌ها ریشه‌ای است؛ وقتی این علما در نشست‌های علمی کشورمان حضور می‌یابند و با علما می‌نشینند و در نشست‌های علمایی حرف‌های ما را می‌شنوند و از نزدیک به تفاهم و گفتگو می‌رسند حرف‌های خود را آزادانه می‌زنند و ما حرف‌های خودمان را می‌زنیم؛ و این رفاقت و مهر و محبت و همدلی را مشاهده می‌کنند خیلی اثر گذار است.

وی با بیان این که این ایده باید از همه بخش‌ها تقویت شود و آثارش کمتر از کنفرانس وحدت نیست اما با هزینه بسیار کمتر، گفت: روی این حساب به نظرم می‌آید بتوانیم در آینده از شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف جهان اسلام دعوت کنیم؛ در نظر داریم از کشورهای مختلف از جمله عمان، و مصر دعوت کنیم و از شخصیت‌هایی دعوت خواهیم کرد که در کشور خود اثر گذار باشند.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در ادامه تأکید کرد: باید این مسئله را تبلیغ کنیم که سیره ائمه معصومین(ع) در برخورد با پیروان دیگر مذاهب اسلامی بر اساس محبت و اتحاد و تقریب است؛ دنیای امروز ما دنیای ارتباط و رسانه است و هر حرکتی در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد همه متوجه آن خواهند شد ما باید آموزه‌های معقول، منطقی، مبرهن، مستدل که بر اساس آموزه‌های اهل بیت(ع) به رسم یادگار داریم را منتقل کنیم.

اشاره: با توجه به اینکه ضیق وقت و کمی فرصت در جلسه همایش شصتمین سال شهادت نواب صفوی و یارانش در مؤسسه وابسته به بنیاد شهید، اجازه مطرح ساختن همه مطالب سخنرانی استاد سید هادی خسروشاهی را نمی‌داد، و در عمل فقط فهرستی از این مطالب مطرح شد، «مرکز بررسی های اسلامی قم» ترجیح داد که متن کامل آن سخنرانی را آماده نماید که پس از ویرایش کوتاه، اینک در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. صفحات روزنامه برای نشر مباحث مستند و علمی دوستان در این زمینه و یا نقد مسائل مطرح شده، آمادگی دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۷ دی ماه امسال - ۱۳۹۴ - مصادف با شصتمین سال شهادت حضرت نواب صفوی است و دوستان از حقیر خواستند که درباره اهداف و برنامه های فدائیان اسلام و منطق فکری و فقهی شهید نواب صفوی، سخنانی داشته باشم.

بی تردید بحث و بررسی دقیق و علمی و همه جانبه این موضوع پیشنهادی، نیاز به فرصت زمانی بیشتر و بهتری دارد که متأسفانه فعلاً فاقد آن هستیم، اما بی مناسبت نخواهد بود که سخنان کوتاهی، فهرست وار درباره مبانی فکری و فقهی حضرت نواب صفوی و فدائیان اسلام، در رابطه با اقدامات مسلحانه ای که انجام دادند، داشته باشیم و در فرصتی که به ما اجازه سخن می‌دهد، در حد توان این مسئله را مورد تبیین و توضیح قرار دهیم. همگی البته می‌دانیم مسئله ای که از آغاز مبارزه فدائیان اسلام درباره قیام مسلحانه آنان در رسانه های چپ و راست مطرح شده، همدان قلمداد کردن آن با اقدامات تروریستی است، به ویژه که موضوع «فتک» یا قتل و کشتن فردی، به طور ناگهانی و از طریق کمین گذاری و حیل و گمانه، در بعضی از روایات و آراء فقهاء ممنوع و غیرمشروع اعلام شده است. شاید با استناد به یک روایت معروف بعضی ها اقدامات مسلحانه فدائیان اسلام را نوعی فتک و غیله یا حتی محاربه! و ارباب می‌نامند، ولی بعضی دیگر آن را نوعی دفاع مشروع از نفس و عرض و مال و یا حفظ کل جامعه مسلمین از تهاجم دشمنان می‌دانند.

بی تردید عنوان محاربه که در مفهوم فقهی به اقدامی مسلحانه برای ترساندن مردم توأم با قتل و غارت اطلاق می‌شود، در مورد اقدامات فدائیان اسلام مطلقاً صدق نمی‌کند؛ چون اصولاً معنی محاربه در چهارچوب دیگری مطرح شده است و فقهای ما چگونگی آن را شرح داده اند و مثلاً مرحوم شیخ مفید در تعریف «محارب» می‌گوید: «محارب» کسانی از اوباش و اهل فساد هستند که در بلاد اسلامی سلاح برداشته و به قتل و غارت بپردازند، که این مفهوم به وضوح ارتباطی با اقدامات مسلحانه فدائیان اسلام نمی‌تواند داشته باشد.

اما مسئله «ارهاب» که در عربی به معنای ترساندن دشمن است، اصولاً در مورد کارهای تروریستی کاربرد ندارد و صریح آیه شریفه در سوره انفال: «وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ» نشان می‌دهد که تجهیز و آماده سازی نیروهای مسلمان برای ترساندن دشمن خدا و یک ضرورت و امری واجب است.

بدین ترتیب و با توجه به معنی ارباب و ترهیب، نام گذاری تروریست‌ها در بلاد عربی به اربابیان، فاقد مفهوم واقعی است و تکرار آن در بعضی از محافل ما هم نوعی تقلید غلط و بی معنی از کلمه ارباب و اربابیان

است. پس تنها مصداقی که اقدامات فدائیان اسلام را می‌تواند پوشش دهد، همان دفاع مشروع و مقدس از جان و مال و ناموس مسلمانان است.

بی مناسبت نیست که در این زمینه اشاره ای فهرست وار به اندیشه‌های بعضی از فقهاء بزرگوار قدیم و یا معاصر داشته باشیم. البته یادآوری این نکته ضروری است که متأسفانه مسئله دفاع از جان و مال و ناموس در اغلب کتب فقهی قدیم ما، عنوان مستقل و باب خاصی مانند کتاب «الجهاد» ندارد، بلکه بعضی از آن بزرگواران مسئله دفاع را در ضمن بحث «جهاد» مطرح ساخته و به تبیین چگونگی دفاع و اقسام آن پرداخته اند. علامه بزرگوار مرحوم آیت الله شیخ جعفر

کاشف الغطاء در جلد چهارم اثر نفیس خود: «کشف الغطاء»، تقسیم بندی علمی روشنی از جهاد و دفاع دارد که به نظر می‌رسد کامل ترین تقسیم بندی‌ها در کتب فقهی پیشین ماست. آیت الله کاشف الغطاء اصولاً جهاد را به پنج نوع تقسیم می‌کند:

- ۱- جهاد برای حفظ وطن و میهن و جامعه اسلامی از هجوم کفار؛
- ۲- جهاد برای دفع متجاوزان از تسلط بر جان و مال و ناموس مسلمانان؛
- ۳- جهاد با کفاری که با گروهی از مسلمانان در حال نبرد و جنگ هستند؛
- ۴- جهاد برای آزادسازی سرزمین‌های اسلامی اشغال شده و طرد دشمنان متجاوز؛

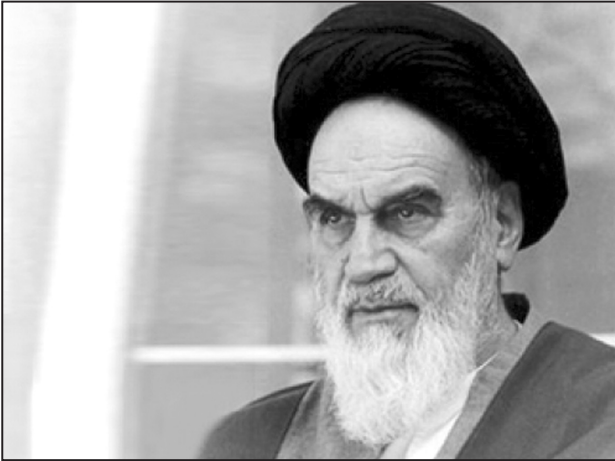


۵- جهاد ابتدایی برای گسترش و ترویج اسلام... علامه کاشف الغطاء در این تقسیم بندی، اصولاً چهار قسم نخست را از مصادیق «جهاد دفاعی» می‌داند و جهاد قسم پنجم را که «جهاد ابتدایی» است منوط به اذن خاص امام می‌خواند و سپس وجه تمایز این دو نوع جهاد را تبیین و روشن می‌سازد و توضیح می‌دهد که یک نوع دیگر از عناوین جهاد که دفاع از نفس و مال و ناموس است، در عین اینکه نوعی جهاد است، ولی عنوان اصطلاحی «جهاد» بر آن تطبیق نمی‌کند، بلکه آن را باید «دفاع» نامید.

در این میان، فقیه نامدار شیخ طوسی هم در کتاب معروف «المبسوط» شاید برای نخستین بار، بایی را تحت عنوان «کتاب الدفع عن النفس» باز کرده و مسائل مختلف آن را بیان می‌کند که طالبین تفصیل می‌توانند به اصل کتاب مراجعه کنند. مرحوم علامه حلی هم در کتاب «شرایع» بایی درباره دفاع مشروع و مسائل آن باز کرده و برای مسئله دفاع اهمیت ویژه ای قائل شده است و همینطور فقهای دیگر قرون ماضیه که هر کدام به نحوی و نوعاً به اجمال، به آن پرداخته اند.

اما از فقهای بزرگ معاصر، مرحوم امام خمینی (ره) در جلد اول «تحریر الوسیله» بیان جدیدی در مسئله دفاع مطرح کرده و دو نوع دفاع، یعنی دفاع سازمان یافته در مقابل متجاوزان به سرزمین و امت اسلامی و

گفتاری از استاد خسروشاهی



دفاع فردی و گروهی در مقابل تجاوز به نفس و ناموس و مال را تحت یک عنوان مورد بحث و بررسی قرار داده و به مفهوم «تجاوز» نیز توسعه بیشتری داده؛ یعنی آن را فقط در مورد تجاوز فیزیکی منحصر ن ساخته بلکه هر نوع سلطه اجنبی اعم از: فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را از مصادیق تجاوز شمرده است، که مستلزم اقدام به دفاع است.

بعضی از فقهای معروف عصر ما، مانند مرحوم آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری در جلد پانزدهم «مذهب الاحکام» دفاع را از امور ارتكازی در نزد عقلاء می‌داند و می‌گوید که اصولاً «دفاع از نفس» جزء امور فطری در نهاد انسان و هر موجود زنده است.

استاد بزرگوار ما مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی هم در جلد ۲ تفسیر «المیزان» در همین رابطه می‌نویسد: «اگر در فطرت انسانی چنین اصل مسلمی به ودیعت نهاده نشده بود، هیچ گونه دفاعی از انسان سر نمی‌زد.» پس در واقع اعمال دفاعی انسان مستند به فطرت او است.

ما در این بحث مقدماتی کوتاه برای اینکه آن را بسط ندهیم فقط به مسئله دفاع از دیدگاه امام خمینی اشاره می‌کنیم که آن را در مسئله تجاوز فیزیکی یا نظامی منحصر نمی‌کند، بلکه هر نوع تجاوز اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را هم شامل آن می‌داند که مستلزم دفاع است.

ایشان در جلد نخست «تحریر الوسیله» مطلبی را عنوان می‌کند که ترجمه خلاصه آن چنین است:

«... اگر این ترس به وجود آید که کفار از

نظر سیاسی و اقتصادی بر سرزمین‌های مسلمانان سلطه و نفوذ پیدا کنند و این سلطه موجب گردد که مسلمین در عمل، اسیر سیاسی یا اقتصادی کفار شوند و اسلام و مسلمانان خوار و زبون گردند، دفاع واجب است؛ دفاع با وسائلی که شبیه به وسائل دشمن باشد و یا همراه با «دفاع منفی» یا تحریم هر نوع معامله ای با آنان.»

سپس می‌نویسند: «در دفاع از بلاد مسلمین در مقابل هجوم دشمن حضور امام و اجازه نایب خاص و عام او لازم نیست و بر هر مکلفی واجب است که بدون هیچ قید و شرطی، با هر وسیله ممکن، به دفاع بپردازد.»

با توجه به این مقدمه و تعاریف مطرح شده توسط فقهای عظام، به ویژه معاصرین، این نوع دفاع مشروع را هرگز نمی‌توان ضمن عنوان ترور و «فتک» و «غیله» مورد بررسی قرار داد بلکه اقدام به آن، بر هر کسی که توان دفاع را دارد، با مراعات شرایط و امکانات، یک واجب شرعی خواهد بود و البته این حکم به مفهوم آن نیست که هر کسی که بتواند سلاحی تهیه کند، به عنوان اقدام دفاعی، دست به کارهایی بزند که با موازین شرعی منطبق نیست.

یعنی: در اقدام دفاعی اگرچه اذن امام شرط نیست، اما مسئله تشخیص صحیح و تبیین مصداق متجاوز، اهمیت ویژه ای دارد و بدون حجت شرعی، اقدام به آن مشروع نخواهد بود. به عبارت دیگر: انجام یک تکلیف دفاعی، به

بخش اول

موازین شرعی مبارزات نواب صفوی و فدائیان اسلام

مقدماتی نیاز دارد که با ملاحظه همه جوانب و همه موازین شرعی می‌توان به آن اقدام نمود و به محض مخالفت فرد یا گروهی با عقاید سیاسی ما، نمی‌توان تحت عنوان دفاع! به شخصیت حقیقی و یا حقوقی وی حمله کنیم که در این صورت ما خود متجاوز خواهیم بود، پس راه حل اساسی برای ورود به این فاز عملیات، مشورت مقدماتی با صاحبان عقل و ملتزمان شرع و آگاهان به امور است که انسان را از اشتباه در محاسبه مصون می‌دارد.

آنچه گذشت اشاره کلی و مقدماتی بحث فقهی در این زمینه است. حال باید دید دیدگاه یا اجتهاد رهبری فدائیان اسلام در این مورد چگونه بوده و شهید نواب صفوی با استناد به کدام موازین فقهی - شرعی به اقدام مسلحانه و حذف عناصر خطرناک و عامل دشمن، می‌پرداخت؟ به نظر بهتر است که در اینجا، متن نوشته خود شهید نواب صفوی را که اینجانب آن را در کتاب «فدائیان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه» آورده ام، نقل شود که در واقع نظریه فدائیان اسلام را به طور شفاف، روشن می‌سازد و هم‌آهنگی آن را با فتاوی و نظریات فقهاء عظام نشان می‌دهد. شهید نواب چنین می‌نویسد:

«... در اینجا برای روشن شدن اذهان عموم مردم و آشنایی جامعه به علت کشتن هژبر و امثال او، ناگزیریم که از دو نظر مطلب را مورد دقت قرار دهیم: ۱) از نظر شرع و دین خدا؛ ۲) از جهت عرف و اجتماع. و با یک تحقیق فقهی کوتاه این مسئله و معضل را حل کرده و موجبات عرفی و اجتماعی آن را هم به اختصار ذکر می‌کنیم:

دفاع از ضروریات دین است، فرع ششم از فروع دهگانه اسلام، جهاد است که در کتب فقهی آن را به دو نوع تقسیم کرده اند: ۱) جهاد ابتدایی؛ ۲) جهاد دفاعی - که جهاد دفاعی را فقط «دفاع» هم می‌گویند - جهاد ابتدایی که به معنای لشکر کشی قشون اسلام به ممالک کفر برای هدایت و تسلیم آنها در برابر اسلام است، در زمان غیبت امام علیه السلام ممنوع بوده و جایز نیست؛ ولی جهاد دفاعی یا دفاع، در همه ازمه واجب و فطری است و اکنون به تشریح تقسیم بندی دفاع در اسلام می‌پردازیم.

اسلام می‌گوید: اگر به مال مسلمانی هجوم شد، بایستی دفاع کند و مال خود را بازستاند تا زمانی که خطر برای جانش پیش نیاید. و زمانی که به جانش هجوم شد، بایستی به دفاع بپردازد تا موقعی که دین و ناموسش در خطر نیفتاده باشد. و آن هنگامی که دین و ناموس فرد یا اجتماعی در معرض هجوم واقع شد، بایستی جان و مال را در این راه فدا نمود. پس طبق این تقسیم، دین و ناموس یعنی اعتقاد و ایمان و عفت بشر که فوق هر چیزی است، از نظر ارزش و اهمیت در درجه اولی و جان و حیات انسان در مرتبه ثانی و مال و ثروت رتبه سوم را حائز است. پس دفاع، از ضروریات و مسلمات دین مقدس اسلام است و «ضروریات» احکامی را گویند که احتیاج به تقلید نداشته باشد و تشخیص هجوم و نحوه دفاع در برابر آن چون از «شبهات موضوعیه» است، با شخص مسلمان آگاه و مطلع است.

تا اینجا معلوم شد که دفاع در برابر هجوم به مال و جان و «دین و ناموس» (که از نظر اهمیت در یک ردیف هستند) بر مسلمانان واجب است؛ مثلاً اگر دزدی به مال انسان هجوم برد، بایستی دفاع نماید، یا اینکه به عنوان کسب اجازه از مجتهد، مالش را از دست بدهد؛ اسلام و فطرت سالم هر دو حکم می‌کند که ایستادگی نموده و مالش را بازستاند و در مراحل هجوم بر جان و دین و ناموس هم همین اصل ساری و جاری است.

فدائیان اسلام معتقدند از دیرباز به مال و جان و ناموس و دین مسلمانان از طرف کفار و اجانب هجوم شده است و هجوم به مال یا دستبرد به معادن زیرزمینی و غیره شروع گردیده و هجوم به جان با کشتن رجال

جناياتی که مرتکب شده بود تبرئه نمايد و به جای اعدام، او به ۸ سال زندان محکوم گردید.

کسروی که بی تردید از سران باندهای مافیایی رژیم رضاخان پهلوی کمک مالی می‌گرفت چاپخانه‌ای خرید و از آذرماه سال ۱۳۱۲ ماهنامه پیمان را منتشر ساخت که انتشار آن نه سال تمام ادامه یافت و از بهمن ماه سال ۱۳۲۰ روزنامه پرچم را به طور یومیه منتشر کرد که بعدها به صورت هفتگی انتشار می‌یافت.

با انتشار بخش اول کتاب آیین، کسروی به اصطلاح مورخ و پژوهشگر، به شکل یک فعال اجتماعی درآمد و به تدریج ده‌ها رساله، تحت عناوین گوناگون، بر ضد اسلام و تشیع منتشر ساخت که هیچ‌گونه برخوردی از سوی دولت در مقابل آن به عمل نیامد و این درست در دورانی اتفاق افتاد که هرگونه فعالیت دینی در ایران ممنوع بود.

کسروی در این چرخش بنیادین و دگرگونی فکری عجیب، ادعای «برانگیختگی» کرد و مدعی شد که می‌خواهد با پاک‌سازی دین از خرافات، زمینه رشد «آئین پاکدینی» را فراهم سازد.

یکی از کارهای فکری و اصلی او تألیف و نشر کتاب «ورجاوند بنیاد» - بنیاد قدسی یا خدایی - بود که در سه جلد منتشر کرد و به جای عنوان ساختن «سوره» و «آیه» هر فصلی از کتاب را با شماره‌گذاری مشخص ساخت که به قول خود او، همراه با زندهایی - تفسیرهایی - درباره مطالب مطرح شده بود. در بالای صفحه اول کتاب جمله «خدا با ماست» و در قسمت پایین صفحه، جمله «این کتاب بنیاد پاکدینی است»، به چشم می‌خورد. تاریخ چاپ اول مجلدات این کتاب به سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ بر می‌گردد.

علائم و معجزات! برانگیختگی کسروی چه بود؟

خود کسروی در دفترچه یکم آذر ۱۳۲۲، صفحه ۱۴ می‌نویسد: «پس از آنکه از عدلیه خارج شدم در حال خود دگرگونی‌هایی یافته و از مردم رمیده شده و کمتر سخن گفتم و در اثر این دگرگونی سه‌شبهایی بسیار نصیبم گردید و مثلاً با گریه یک بچه، اشک‌های من هم جاری می‌شد و گوشت‌های دکان قصابی گویی با من سخن می‌گفتند و بالاخره یک روز در خیابان سیروس، سرچشمه، پنجاه - شصت گنجشکی را که در قفس‌ها بودند خریدم و همه را آزاد کردم که ناگهان آمیغ‌ها در جلوی چشمم نمایان گردید!

بدین ترتیب کسروی احساس برانگیختگی در خود می‌کند و در مجله پیمان سال نخست، شماره ۱۲، صفحه ۱۱ می‌نویسد: «بر همچو منی آسانست که به سخنانی درباره دین بی‌اغازم و گروهی را به دنبال خود بیندازم ولی آیا چه سودی از این کار خواهم داشت، جز اینکه گروهی را در بیابان گمراهی سرگردانم و گردانم و دردی بر دردهای مسلمانان بیفزایم؟!»

اما به تدریج، گویا سه‌ش‌هایش تندتر و تیزتر شده و آمیغ‌ها بر او روشن‌تر گشته و با نشر کتابی در پیرامون اسلام و شیعیگری، دردی بر دردهای مسلمانان افزوده و گروهی را گمراه ساخته است.

کسروی با اینکه بارها در آثار خود، پاکی و راستگویی «آن پاک مرد عرب» - پیامبر اسلام - اقرار دارد ولی این بار به اصل اسلام تاخته و آن را ناسازگار با آمال دانسته و همه مسلمانان را گمراه خوانده و مانند بعضی‌ها! صریحاً دوران اسلام‌گرایی را پایان یافته تلقی نموده است.

و سپس با نشر کتاب شیعیگری، حملات خود را بر ضد میانی تشیع تندتر کرده و ائمه هدی را عناصری خدانشناس و... نامیده و از هیچ نوع یاه‌گویی درباره مقدسات اسلام و تشیع خودداری نکرده است.

اشاره شد که کسروی برای اثبات برانگیختگی خود، پس از سه‌ش‌ها! به دنبال آزادسازی گنجشک‌ها، ورجاوند بنیاد را در سه جلد منتشر ساخت. برای شناخت محتوای این کتاب، ما فقط سطوری از فصل ۹ و ۱۹ و

هم‌نامه می‌نوشت و پیام می‌فرستاد و آنها را دعوت به همکاری برای زدودن خرافات مذاهب، در بین مردم جهان می‌کرد...

کسروی اگر زنده می‌ماند، طبق اسنادی که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم، قصد داشت با تشکیل گروه رزمندگان، کار را یکسره به پایان ببرد و اداره امور کشور را به عهده بگیرد... و به یقین چنین عنصری، خطرناک‌تر از باب و بهاء بود.

با کسروی آشنا شویم:

سید احمد کسروی در مهرماه سال ۱۲۶۹ ش در محله حکم آباد تبریز، در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. اجدادش همگی ملا و پیشنماز بودند... پدرش سید قاسم هم پیشنماز مسجد اجدادی خود در آن محله بود. کسروی دوازده ساله بود که پدرش درگذشت و او به مدرسه طالبیه تبریز رفت و به آموختن دروس طلبگی پرداخت و همانجا هم با شیخ محمد خیابانی آشنا شد که بعدها باعث پیوستن وی به حزب دمکرات شیخ گردید. در سال ۱۲۸۹ ش که کسروی به ۲۰ سالگی رسیده بود و به عنوان یکی از طلاب مدرسه دینی تبریز شناخته می‌شد، لباس روحانیت را پوشید و به پیشنمازی در مسجد پدری پرداخت و در همان زمان، به حفظ کامل قرآن مجید اقدام نمود و حافظ کل قرآن شد.

او در سال ۱۲۹۴ ش در مدرسه آمریکایی‌ها در تبریز - مموریال اسکول - به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداخت و خود نیز در آنجا زبان انگلیسی و اسپرانتو را یاد گرفت. در همین دوران با مبشران اجنبی و میسیونرهای مسیحی در مدرسه آمریکایی‌ها درگیر شد و به علت دفاع از اسلام، کتک خورد و از مدرسه اخراج گردید.

در تیرماه ۱۲۹۵ ش کسروی از طریق جلفا به تفریس و باکو رفت و به آموختن زبان روسی مشغول شد و در سال بعد به تبریز برگشت و به حزب دمکرات شیخ محمد خیابانی پیوست، اما دو سال بعد همراه چند نفر دیگر به علت تغییر نام حزب به نهضت آزادپستان از نهضت جدا



شد و خود را گروه «انتقادین»! نام نهادند. یک سال بعد، یعنی در سال ۱۲۹۸ ش کسروی که به قول خودش فقه می‌دانست ولی از قانون آگاه نبود، به کارمندی اداره عدلیه تبریز درآمد و ده سال تمام در نقاط مختلف کشور و در پست‌های گوناگون کارمند عدلیه بود. چند سال بعد، وی به سفارش تیمورتاش وزیر دربار رضاخان، توسط داور، وزیر عدلیه وقت، پس از پذیرفتن و اجرای شرط داور که خلع لباس روحانیت بود، به عنوان دادستان تهران انتخاب شد و همزمان به علت چاپ و نشر چند اثر تاریخی، به عضویت انجمن آسیایی سلطنتی و انجمن جغرافیای آسیایی لندن و دو انجمن مشابه در آمریکا درآمد که همین امر اگر هم تأثیر مستقیم در تغییر روش و گزینش راه جدید نداشت، او را سخت مغرور ساخت. در این برهه او به آموختن زبان پهلوی در نزد پروفیسور هرتسفلد و زبان ارمنی، در نزد یکی از ارامنه تهران اقدام نمود.

گفتنی است که از شاهکارهای کسروی در دوران کار وکالت عدلیه، دفاع وی از سرپاس رکن‌الدین مختاری رئیس شهربانی رضاشاه و پزشک احمدی جلال معروف رژیم پهلوی بود که توانست سرپاس مختاری را از

از لحاظ مبنای فقهی تکیه ایشان بر همان اصل وجوب دفاع از اسلام، در برابر هر مهاجمی است در هر مقامی که باشد و اقدام بر ضد احمد کسروی هم در همین رابطه است.

در واقع مبارزات مسلحانه فداییان اسلام از اعدام کسروی مدعی پیامبری آغاز شد چرا که پس از مباحثات مستقیم و مفصل شهید نواب صفوی با وی، نتیجه‌ای حاصل نشد و کسروی به گمراه‌گری خود ادامه داد، و بی تردید اگر در آن هنگام این اقدام به عمل نمی‌آمد، ما امروز شاهد یک حزب ساختگی سیاسی دیگر به نام «پاکدینی»! در کنار بایبگری و بهائیکری بودیم.

... در مرحله پایانی به اعدام حسین علا نخست وزیر شاه که عازم بغداد برای انعقاد قراردادی در ضمیمه کردن ایران به پیمان آمریکایی (بغداد) بود، اقدام شد که اگر همراه با موفقیت بود، بی تردید آثار مثبت فراوانی می‌توانست داشته باشد و ایران را از غلطپند در دامن امپریالیسم آمریکا، باز می‌داشت... البته در دوران ما، بعضی از تاریخ‌نویسان معاصر ملی‌گرا و یا چاپ‌نما! این اقدامات را «تبرور کور» می‌نامند در حالی که خود، کشتن یک پاسبان در شهر و یا یک ژاندارم در نقاط دورافتاده کشور را که عملاً منشأ هیچ اثری نبوده‌اند قیام! مسلحانه می‌نامند... ولی حقیقت غیر این است.

به هر حال در اینجا بی‌مناسبت نیست که کمی درباره احمد کسروی، مدعی برانگیختگی - پیامبری - با استفاده از مدارک و اسناد باقیمانده از خود او، توضیح بدهیم و نخست به اهمیت خطر وی اشاره‌ای داشته باشیم.

اصولاً به نظر من احمد کسروی، بسیار خطرناک‌تر از باب و بهاء بود، چون هم سواد ملائی داشت و هم با چندین زبان دنیا آشنا بود و نوشته‌های او به عربی، به قول یکی از اساتید آن زمان، شبیه آثار و قلم جرجی زیدان بود، اما با این حال او کتاب قدسی خود - ورجاوند بنیاد - را مانند آثار و الواح باب و بهاء به زبان عربی نوشت، گرچه از لحاظ ادبی مانند آن دو، دچار اشتباه نمی‌شد که مجبور شود بگوید که زبان عربی را از قید و بند قواعد آزاد! کرده است.

به عبارت روشن‌تر: بدون تردید، اگر کسروی چند صباحی دیگر زنده مانده بود اکنون ما با پدیده خاص و حزب «پاکدینی» فراگیرتر و مضرت‌تر از بهائیکری در سطح جهان روبه‌رو بودیم. باب و بهاء خود را استمرار راه امامان شیعه و حتی «بیاب» را نماینده آن حضرات می‌نامیدند، اما کسروی اصولاً معتقد شده بود که دوران اسلام‌گرایی به پایان رسیده و تشیع را هم به طور مطلق قبول نداشت.

و البته می‌دانیم که یکی از کارهای جنون‌آمیز کسروی گرفتن جشن! کتابسوزی در یکم دی ماه هر سال بود. او در این روز شادباش! علاوه بر کتب مذهبی و ادعیه عرفانی، دیوان حافظ و سعدی و مولوی و خیام و... را هم به آتش می‌کشید و معتقد بود که عامل بدبختی! ایرانیان آموزه‌های این قبیل کتاب‌ها و اشعار است. یعنی او در واقع با فرهنگ ایران زمین هم دشمنی داشت و به صراحت مانند بعضی از معاصرین ما؟! خواستار



ایرانی بدون اسلام بود و با کمک مافیای قدرت و با پشتیبانی رژیم رضاخان پهلوی، به فعالیت تبلیغاتی گسترده و سازمان‌یافته‌ای در سراسر ایران پرداخته بود و کم‌کم به دانشمندان و اندیشمندان اروپا و آمریکا

مسلمانان آزاده پایه گذاری شده و هجوم به دین و ناموس مسلمانان هم با تعطیل همه احکام و دستورات اسلام، یعنی با کنار گذاردن قوانین اجتماعی و قضایی و سیاسی و اقتصادی اسلام و وضع قانون در برابر آن، البته نحوه هجوم بنابر اختلاف موارد هجوم بر (مهاجم علیه) فرق می‌کند. یعنی هجوم به مال، دزدیدن آن و هجوم به جان، نابودی آن و هجوم به دین هم با تعطیل احکام و دستوراتش می‌باشد...

بنابر تصریحات فوق، فداییان اسلام دفاع در برابر هجوم وارده را بر خود واجب دانسته و معتقدند که در این هجوم‌ها که از طرف کفار نسبت به مسلمانان شده، بعضی از کارگردانان مملکت آلت دست بیگانه قرار گرفته و سپر کفار واقع شده‌اند و چون آلت اجرا اینها هستند، بایستی با حذف و دفع آنها هجوم را دفع کرد. روی این زمینه و استدالات، فداییان اسلام اعتقاد داشته‌اند روزی که دفع هجوم باعث هجوم شدیدتری نشود و مملکت و اجتماع دستخوش طوفان حوادث مضر سیاسی نگردد، بایستی قیام کرد و ایادی بیگانه و هجومش را دفع نمود.

به هر حال فدائیان از نظر شرعی متکی به فرع مسلم (دفاع) که از ضروریات دین است، می‌باشند. و از نظر عرفی و اجتماعی هم عقیده دارند که مدت‌هاست مملکت ما دستخوش اغراض سیاسی دولت‌های استعمارطلب واقع شده و آنها هم از طریق برخی از حکومت‌ها وارد گشته و با جلب نظر آنان پنجه بر مملکت افکنده‌اند و بایستی با مجازات آن‌ها در زمانی که خطر بزرگتری در پیش نباشد، نقشه‌های ظالمانه و ضعیف‌کشانه و استعمارگرانه آنها را حداقل برای مدتی، خنثی کرد...

همین نظریه، یعنی دفاعی بودن اقدامات را شهید نواب صفوی در آخرین دفاعیه خود در دادگاه نظامی رژیم شاه در پاسخ سرتیپ کیهان خدیو - بازجوی دادستانی ارتش - هم که خواستار بیان مکتوب آخرین دفاع درباره اتهام «توطئه بر هم زدن اساس حکومت و تشکیل جمعیتی که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران است» بوده، بیان می‌دارد که خلاصه‌ای از آن را که در واقع یک سند تاریخی صادر شده در بحرانی‌ترین شرایط و پس از شکنجه‌ها و فشارها می‌باشد، نقل می‌کنیم:

خلاصه پاسخ مکتوب به سرتیپ کیهان خدیو: «... چون قانون اساسی ایران متکی بر قوانین قرآن و اسلام است و تصریحات اکیدی دارد بر این که مملکت ایران، مملکت رسمی اسلامی است و نیز شاه باید دارا و مروج مذهب شیعه باشد و قوانین مخالف اسلام نداشته باشد، بنابراین هر قانونی که برخلاف اسلام باشد، ملغی و غیرقانونی است و وظیفه هیأت حاکمه اجرای قوانین اسلام در مملکت بوده و در غیر این صورت رسمیت و قانونیت ندارند و می‌بینیم که شعائر اسلامی همگی از میان رفته و شدیدترین هجوم علیه اسلام رایج است و این هجوم سال‌هاست از طرف هیأت حاکمه روا گردیده که هیچ سابقه نداشته است.

بنابراین شخص شاه و هیأت حاکمه عموماً مهاجمین شدیدتری علیه اسلام بوده‌اند و بنابراین از نظر قانون اساسی قانونیت و رسمیت ندارند. در مقابل این هجوم همه جانبه هیأت حاکمه، اسلام و قانون اساسی دفاع را بر هر مسلمان عاقل و مکلفی واجب نموده است و از اول و آغاز هم در جزء ضروریات اسلام، دفاع را قرار داده است و «ضروری» هم آن حکمی است که احتیاجی به فتوا و مجتهد نداشته و به استنباط و فتوا ابد بستگی ندارد... پس کسی که برای دفاع از قوانین اسلام اقدامی علیه حکومت یا شخص شاه فعلی انجام داده، انجام وظیفه واجب نموده است؛ بنابراین من و برادران دینی نزدیکم با کمال وضوح و روشنی، سال‌ها و ماه‌ها و هفته‌ها تذکر داده و کتابی نوشته و گفته ایم قوانین اسلام را اجرا کنید و هر چه بیشتر گفتیم، کمتر نتیجه گرفتیم. به ناچار برای انجام وظیفه دفاعی واجب، قدم‌های خیلی کوچکی برداشتیم».

سید مجتبی نواب صفوی البته این خلاصه و جملاتی از متن آخرین دفاعیه مکتوب و چند صفحه‌ای شهید نواب صفوی در دادستانی ارتش است و همان طور که ملاحظه می‌شود،

وی به بخش‌های دیگری از زنجیره بی‌محبتی در بازار نشر اشاره و ادامه می‌دهد: این گونه مشکلات را اگر به مشکلاتی دیگر از جمله مشکلات با تأمین اجتماعی، دارایی، آب، برق، گاز، شهرداری، تعزیرات و سایر هزینه‌های غیرعملیاتی گره بزنید، سرسام‌آور خواهد شد. دارایی تنها به تولید نگاه می‌کند، کاری به فروش و سود واقعی بنگاه نشر ندارند و برای تأیید معافیت متاسفانه انتقال ناشران از بند «ج» به بند «ب» و الزام به نگهداری دفاتر مالی قانونی فشار مضاعفی را بر بدنه نشر که عمدتاً بنگاه‌های کوچک کسب و کار هستند، وارد کرده است.

ماجرای خمیر شدن ۱۳ خاور از کتاب‌های یک ناشر شاید با اوضاع این روزهای نشر ماجرای عجیبی نباشد، اما قصه پرجغای است که نوید روزهای خوشی برای صنعت نشر ایران را نمی‌دهد. این قصه بخشی از گره کوری است که با دستا یک نفر و دو نفر و به اتحادیه و دو اتحادیه باز نخواهد شد، گره‌ای است که اتفاقاً چون با دست باز نشده است، امروز باید با دندان باز شود. این شاید تنها برگی از کتاب ورشکستگی فرهنگی نشر در ایران است که این روزها در حال ورق خوردن است.

تیراژ کتاب؛ ۲۰ نسخه!

اخیراً کتابی با عنوان «آسیب‌شناسی انتشار اخبار بحران در کشور (با تمرکز بر خبرگزاری‌ها)» نوشته «سپه‌لاخلجی» از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده است. تا اینجا کار، با اتفاق تازه‌ای مواجه نیستیم. اتفاق زمانی شکل می‌گیرد که متوجه شویم این کتاب در تعداد انگشت‌شمار، بی‌سابقه و بسیار عجیب ۲۰ نسخه چاپ شده است!

شهناز شفیع‌خانی مسئول دفتر نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در گفتگو با خبرنگار مهر، ضمن تأیید این موضوع، درباره علت آن، گفت: واقعیت این است که ما با مشکلات بودجه‌ای روبه‌رو هستیم و به خاطر همین مسائل، نه فقط این کتاب بلکه اکثر کتاب‌های ما در شمارگانی در همین حدود منتشر می‌شود.

وی با بیان اینکه اگر ناشری علاقه‌مند باشد اعلام آمادگی کند که کتاب‌های ما را به صورت چاپ مشترک منتشر کند، ما در چاپ دوم می‌توانیم شمارگان کتاب‌هایمان را بالا ببریم، افزود: ما علاوه بر مشکلات بودجه‌ای، با تعداد زیادی کتاب که در پژوهشگاه تولید شده‌اند، رو به رو هستیم و از آنجا که قصد نداریم آنها را بایگانی کنیم و در انبارها نگه داریم، به ناچار در همین تعداد اندک منتشرشان می‌کنیم.

مدیر دفتر نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با تأکید بر اینکه همه این کتاب‌ها، آثار پژوهشی است که شاید ماه‌ها روی آنها کار شده و خروجی‌های بسیار مفیدی هم برای جامعه هدفش داشته است، گفت: ما خود را موظف می‌دانیم که این آثار به دست مخاطبش برسد.

شفیع‌خانی در پاسخ به این سوال که در شرایطی که تیراژ این کتاب‌ها ۲۰ نسخه بیشتر نیست، شما چگونه می‌خواهید آن را به جامعه هدف وسیع که عموماً پژوهشگران و دانشجویان هستند، برسانید؟ گفت: چه بگویم، شورای نشر پژوهشگاه اینگونه تصمیم گرفته و ما هم باید اجرا کنیم!

وی اضافه کرد: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال جاری (۹۴) تقریباً ۸۰ عنوان کتاب چاپ کرده است. اگرچه این پژوهشگاه از مراکز زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اما بودجه محدودی دارد و طبیعتاً انتشاراتش هم بودجه‌ای محدودتر. بیشتر بودجه پژوهشگاه صرف پژوهش می‌شود.

مدیر دفتر نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در پاسخ به این سوال که با این وجود فکر می‌کنید گشایشی در این معضل ایجاد خواهد شد یا خیر؟ گفت: باید دعا کنیم.

سقوط بازار کتاب و افول صنعت نشر

چرا ناشری یک میلیارد از کتابهایش را خمیر کرد

هیچ گاه از هیچ وزیری هیچ پاسخی دریافت نکردیم. وی در پاسخ به اینکه شاید علت عدم ورود وزارت بهداشت تغییر کتاب‌ها در نمونه‌های جدید باشد، گفت: درست است، ممکن است پاسخ این باشد که علم به روز تغییر می‌کند، کسی منکر این نیست، اما مگر ما علم بروز را در شبکه بهداشت و درمان داریم؟ یا بودجه وزارت بهداشت اجازه خریداری آن را می‌دهد؟ برای نمونه کتاب هاریسون پزشکی که نسخه ۲۰۰۸ آن را خمیر کردیم و به زودی نسخه ۲۰۱۲ آن را نیز خمیر خواهیم کرد، تفاوت چندانی با نسخه ۲۰۱۵ ندارد، تنها دو سه نویسنده



آن تغییر یافته که با نگارشی دیگر منتشر شده است. کتابی که قیمت اورجینال آن ۴۰۰ هزار تومان است و افسست ۲۴۰ هزار تومان به فروش می‌رود. آیا این کتاب نمی‌تواند مورد استفاده پزشکان شبکه‌های بهداشت و درمان کشور قرار گیرد؟ این کتاب را با ۱۵ هزار تومان می‌توانستیم عرضه کنیم در حالی که قیمت پشت جلد آن ۸۹ هزار تومان بود.

تیمورزاده از ارسال نامه برای هاشمی وزیر بهداشت دولت فعلی خبر داده و می‌گوید: نامه‌ای دیگر دوباره برای وزیر بهداشت فعلی، معاون آموزشی وی، تمامی رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور به همراه فهرست کتاب‌ها و قیمت‌های پیشنهادی ارسال شد، حتی اعلام کردیم که بهای کاغذ خام کیلویی تقریباً ۳ هزار تومان است، اما شما کیلویی دو هزار تومان کتاب‌ها را خریداری و برای شبکه‌های بهداشت و درمان، درمانگاه‌های تحت پوشش وزارت بهداشت در سراسر کشور و... بفرستید. اما پاسخی دریافت نشد.

این ناشر با اشاره به عناوین برخی کتاب‌ها گفت: این کتاب‌ها شامل کتاب‌های مرجع نلسون اطفال، جراحی شوارتز، ویلیامز زنان، ویلیامز مامایی، بیهوشی ملر، فیزیولوژی گانونگ، پاتولوژی رابینز و... است که از جمله کتاب‌های مهم حوزه علوم پزشکی به شمار می‌رود که وجود آن‌ها در شبکه‌های بهداشت و درمان به نظر ضروری می‌رسد.

وی با بیان این مطلب که همه تلاش‌ها را کردم تا با صحنه درآورد خمیر کردن کتاب‌ها روبرو نشویم، تصریح می‌کند: حتی بخشی از کتاب‌ها را به صورت اهدایی به دانشجویان رشته‌های پزشکی ارائه کردیم، با وجود اینکه این کار برای ما هزینه در بر داشت و باید برای حمل و نقل کتاب‌ها از انبار به نمایشگاه و فروشگاه و چیدمان آن‌ها به ازای هر نسیان ۳۰۰ هزار

صنعت نشر در سال‌های اخیر حکم ساختمانی را پیدا کرده است که هر لحظه بیم فرو ریختن آن وجود دارد، با اینکه تلاش شده تا جای ممکن از هر گوشه‌ای که می‌شود، این بنا را سرپا نگه داشت، اما هر روز بخشی از آن تخریب می‌شود.

صنعت نشر که این‌روزها واژه فقیر برای آن بسیار برانده است، در سال‌های گذشته با مسائل و مشکلات متعددی دست و پنجه نرم کرده است، از کم‌لطفی و بی‌میلی مخاطب گرفته تا بحران کاغذ و افزایش چند برابری قیمت آن و هزینه‌های سرسام‌آور مالیات، بیمه تأمین اجتماعی، آب، برق و ...

اگر دیرزمانی بسته شدن یک کتابفروشی یا ورشکسته شدن ناشری خبری عجیب در دنیای نشر به شمار می‌رفت، امروز هر روز می‌توان مشابه این اخبار را در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و میان اهل فرهنگ شنید، بدون اینکه کسی تعجب کند. تنها افسوس است که همچنان بر حال این روزهای نشر خورده می‌شود.

یکی از افسوس‌های جدید این روزهای نشر خمیر شدن ۱۳ خاور کتاب گروه پزشکی است، انتشارات تیمورزاده در روز پایانی هفته گذشته اقدام به فروش حجم زیادی از کتاب‌های سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ خود به کارخانه‌های خمیر کاغذ کرده است.

بنا به گفته فرهاد تیمورزاده مدیر این انتشارات حجم زیادی از کتاب‌های سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ به بهای هر کیلوگرم ۶۵۵ تومان فروخته شده است، هر خاور کتاب - به بهای پشت جلد حدود ۷۰ تا ۹۰ میلیون تومان - به ازای سه میلیون تومان روانه کارخانه‌های خمیرسازی شده‌اند و ۱۳ خاور کتاب در مجموع ۳۰ میلیون تومان فروش رفته‌اند، در حالیکه رقم واقعی آن‌ها یک میلیارد تومان بوده است.

وی در گفت‌وگو با تسنیم ادامه می‌دهد: پنجشنبه ۱۷ دی ماه دو خاور روانه شدند و فردا یکشنبه ۲۰ دی ماه تعدادی دیگر از کتاب‌ها روانه خواهند شد، اکنون اگر سری به انبار انتشارات ما بزنید، خواهید دید که تمامی کتاب‌ها مرتب به روی هم چیده شده و تا ارتفاع ۶ متری بالا رفته‌اند، کتاب‌های دانشگاهی و پزشکی که متعلق به سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ است.

تیمورزاده می‌افزاید: کتاب‌های حوزه پزشکی بسیار سریع تغییر می‌کنند، اما این به معنای این نیست که کتاب‌های مانده در انبار ما قابل استفاده نبوده‌اند، ما تمام تلاش‌مان را برای اینکه بتوانیم این کتاب‌ها را با بهای بسیار پایین‌تر برای استفاده مخاطبان ارائه کنیم، کردیم، برای نمونه در دوره وزارت خانم دکتر دستجردی در وزارت بهداشت، نامه‌ای نوشتیم، با در نظر گرفتن اینکه در شبکه‌های بهداشت - درمان و درمانگاه‌های وزارت بهداشت در سراسر کشور هیچ کتاب پزشکی و علمی موجود نیست، ما در نامه ذکر کردیم که خرید این کتاب‌ها هزینه اندکی را برای شما ایجاد می‌کند و با وجود انتشار ورژن‌های جدید کتاب‌ها هنوز قابل استفاده هستند، اما

خاطرات آیت‌الله جلیلی از سال‌ها همنشینی با امام موسی صدر در یک کتاب



من و آقا موسی

از ابتدای ورود به قم مرید آقا موسی شدم. من و آقا موسی مثل دو برادر صمیمی باهم زندگی کردیم؛ شب‌ها و روزها باهم بودیم و باهم مسافرت می‌رفتیم،»

حمید قزوینی که کار تدوین این اثر را بر عهده داشته است، در مقدمه خود بر این کتاب نوشته است: «متن حاضر برگرفته از حدود شش ساعت مصاحبه در دو نشست جداگانه در تاریخ دو مهرماه ۱۳۸۹ و چهارم آذرماه ۱۳۸۹ است که تلاش شده پس از حذف مطالب تکراری و جابجایی

برخی بخش‌ها، از یک روند مشخص و تا حدودی سیر موضوعی برخوردار شود تا پرسش‌های متفاوت و فاقد نظم تاریخی که بعضاً اجتناب‌ناپذیر هم نبوده موجب

خستگی خواننده نشود. حوصله آیت‌الله جلیلی در ۵۶ سالگی تحسین‌برانگیز است. او به عکس آنچه در این سن و سال انتظار می‌رود، نه تنها از خستگی و کم‌حوصلگی سخنی به میان نیاورد که در پاسخ‌ها نیز هیچ‌گونه محافظه‌کاری به خرج نداد.»

در این کتاب علاوه بر انتشار خاطرات آیت‌الله جلیلی، اسنادی از نامه‌های امام موسی صدر و آیت‌الله جلیلی و نامه‌های محرمانه سازمان‌های حفاظتی نیز منتشر شده است. «من و آقا موسی؛ خاطرات آیت‌الله

عبدالجلیل جلیلی» در ۱۶۶ صفحه، شمارگان ۷۰۰ نسخه، به بهای ۸ هزار تومان از سوی موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده است.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بحث

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشدمشاور وزیر فرهنگ و ارشاد
اسلامی در امور روحانیت
منصوب شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی حجت‌الاسلام سید محمدرضا حسینی را به عنوان مشاور خود در امور روحانیت منصوب کرد. متن حکم علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خطاب به



حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدرضا حسینی به شرح زیر است:

نظر به مراتب علمی و سوابق تجربی جنابعالی به موجب این حکم به سمت «مشاور وزیر در امور روحانیت» منصوب می‌شود.

امید می‌رود با استعانت از خداوند متعال و بهره‌گیری از کلیه امکانات در برقراری ارتباط سازنده با مراجع عظام تقلید، ائمه محترم جمعه و جماعت، حوزه‌های علمیه و شخصیت‌های روحانی، معرفی فعالیت‌های مثبت وزارت متبوع، رفع برخی شبهات و انجام سایر وظایف محوله موفق و مؤید باشید.

مزید توفیق جنابعالی را از خداوند متعال مسألت دارم. به گزارش فارس، حجت‌الاسلام حسینی متولد ۱۳۴۱ در مشهد مقدس است. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، عضو هیأت مؤسس مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر قم، سرپرست معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت و حضور در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه قم از جمله سوابق حسینی است. پیش از وی، حجت‌الاسلام حجت‌الله نیکی ملکی عهده‌دار این مسئولیت بود.

سخنی با رئیس‌جمهور محترم و مجلس شورای اسلامی

در مورد مشکلات مالی مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی اعم از کاغذی و دیجیتالی به این واقعیت آشنا شوند که با گنجینه‌ای عظیم از معارف چندین قرنه بشری مواجهند.

به علاوه روشهای بدیع و بی‌مانند این مرکز از جمله تشکیل پرونده‌های علمی که از ابتکارات ارزشمند شخصی آقای بجنوردی است و نیز سایر پدیده‌های نو که به همت ایشان و نیز همکاران ارجمند و محققان ارزشمند و رؤسای محترم و معزز دپارتمانهای موجود مرکز، ابداع شده، از جمله امتیازات برجسته‌ای است که مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را از میان مؤسسات و مراکز علمی دیگر که البته همه و همه درخور هرگونه تقدیر و تکریمند ممتاز می‌کنند.

این یادداشت بدان امید به نگارش درآمده که شخص آقای روحانی رئیس‌جمهور معزز که شخصا به ایشان از دوران مجلس اول و حتی دوران طلبگی در قم ارادت و علاقه دیرینه دارم و نیز جناب آقای نوبخت که از نزدیک مورد لطف و محبت ایشان بوده‌ام و نیز آقای جهانگیری همشهری عزیزم و سایر مقامات اجرائی به این وجیزه توجهی فرمایند و حق شرعی و قانونی مرکز مهم دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را تحقق بخشند. انشاءالله

محمدجواد حجتی کرمانی

است (و پیش از آن هم البته مشکلات کم نبوده است) توجه بدهم که با وجود تنگنایهای مالی دولت، گوشه چشمی نیز به این مرکز مهم که در حال حاضر یکی از آبرومندترین مراکز علمی و پژوهشی جهان اسلام است، داشته باشند و در حد توان - که البته اگر عزمی باشد توان آن هم خواهد بود - از گوشه و کنار بودجه‌های موجود یا در حال تصویب، سهمی برای ادامه کار سترگ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی منظور دارند و این را در شمار اولویتهای مسائل اقتصادی کشور، با تصویب و پرداخت بودجه کافی و مطلوب قرار دهند.

این را هم اضافه کنم که محققان ارجمند و پژوهشگران پرتلاش پیر و جوان که با این مرکز آشنایند می‌دانند که یکی از مهمترین، و شاید مهمترین منابع تحقیق و پژوهش یعنی کتب مرجع در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و غیراسلامی، طب، شیمی، فیزیک، جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی و مسائل بین‌المللی و نیز نسخه‌های فراوانی از کتب قدیم و جدید کیمیا یا نایاب در این مؤسسه بزرگ وجود دارد که با آخرین روش شناخته شده کتابداری، نیاز مؤلفان، محققان و پژوهشگران را در کلیه عرصه‌ها برآورده می‌کند. اهل قلم و مطالعه و تحقیق می‌توانند با اندکی پرس‌وجو در کم و کیف موجود کتابخانه عظیم

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اینکه پس از مدتها سکوت در مسائل جاری کشور، قلم به دست گرفته و خطاب به عالیترین مقامات عالی اجرائی و تقنینی کشور به اختصار سخن می‌گویم، از آن‌رو است که می‌بینیم یکی از جلوه‌های ارزشمند فرهنگ ایرانی و اسلامی بنام دائرةالمعارف بزرگ اسلامی آنچنان دچار مضیقه مالی است که در ده ماهه گذشته سال ۹۴ از پرداخت حقوق کارمندان خود عاجز مانده و به طوری که برادر گرانقدر دیرینه‌ام آقای بجنوردی می‌گفت بیم آن می‌رود که این مرکز مهم اسلامی بین‌المللی که بنا به اظهار مؤسس عالیقدر آن در دنیای اسلام بی‌ظنری یا کم‌ظنری است دچار ورشکستگی و در نتیجه تعطیلی گردد.

البته این حقیر که بیش از پنجاه سال است قبل و بعد از زندان ده ساله خود و چهارده ساله ایشان، با روحیه آقای بجنوردی آشنایم، مطمئنم این برادر عزیز و بزرگوار با عزم و اراده‌ای که دارند، بر مشکلات - حتی مشکلات کوه‌آسا - فائق خواهد آمد و مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به یاری خدا و با همت ایشان و اولیای فرهنگ کشور تا قرن‌ها سرپا خواهد ماند.

اما این یادداشت به این منظور است که دولت آقای روحانی را که وارث ویرانیهای بی‌شمار دولت گذشته

پیش همایش ملی فلسفه اخلاق؛ نکوداشت مقام علمی و اخلاقی آیت الله مجتبی تهرانی(ره)، بهمن ماه برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد در این مراسم گفت: دین بر ۴ رکن معرفتی و شناختی استوار است. باورهای مقدس، گزاره‌هایی که ذاتاً متعلق به ایمانند یعنی عقاید، و گزاره‌هایی که اگر ذاتاً متعلق به ایمان نیستند اما از منابع دینی به دست می‌آیند یعنی علم و دسته سوم آموزه‌های بایسته‌ای که در همگی آنها ثواب و عقاب مترتب است. دسته چهارم آموزه‌های شایسته‌ای هستند که بر فعل ثواب و عقاب مترتب هستند یعنی اخلاقیات. وی افزود: از آنجایی که در اسلام به اخلاق تأکید بسیاری شده، تا جایی که پیامبر اسلام(ص) به داشتن خلق عظیم مورد خطاب قرار گرفته اهمیت اخلاق نشان داده می‌شود. خداوند می‌فرماید: «وانک لعلى خلق عظیم» عظمت اصلی آن بزرگوار به خلق عظیمشان است اگرچه اسلام، احکام مترقی و باید و نبایدهای بسیاری دارد اما بی شک اخلاق پیامبر اکرم(ص) اشرف شرایع است و اصولاً اخلاق پیامبر(ص) یک معجزه است.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: اگر به این معجزه پیامبر(ص) توجه کافی و لازم پیدا می‌کردیم امروز در دنیا به بی اخلاقی و بد اخلاقی متهم نمی‌بودیم. پیامبر(ص) با توجه به خلق خوش، همه آحاد گسترده مردم و مسئولان در این مراسم نشان دهنده این است که در جامعه ایران همدلی و همگرایی از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است و ما می‌توانیم این فضا را در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کشورمان گسترش دهیم.

وی در ادامه سخنانش «اخلاق» را ویژگی گم شده جامعه ایران معرفی کرد و گفت: اخلاق از جمله شاخصه‌هایی است که می‌تواند دربردارنده همه فضائل و بزرگی‌های یک انسان باشد و جزیی از فرهنگ محسوب می‌شود و باید مورد توجه قرار گیرد.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اضافه کرد: به‌طورکلی فرهنگ چهار میوه دارد که عبارتند از انسجام، شخصیت‌سازی، اخلاق و سازگاری. انسان‌های بافرهنگ باشخصیت‌اند و با هم سازگاری دارند و با هم گفت‌وگو می‌کنند. جامعه سازگار و منسجم، جامعه

حجت الاسلام والمسلمین رشاد: جامعه دچار سقوط اخلاقی است

که رفتارهایی که با اخلاق نبوی و علوی قابل توجیه نیست، در جامعه توسط افرادی سر می‌زند.

وی افزود: ما امروز از لحاظ اخلاقی دچار سقوط شده ایم. این را باید اعتراف کنم اگر چه رسانه ای هم می‌شود. اگر مشکل اخلاق را در جمهوری اسلامی حل نکنیم انقلاب به بار و ثمر نخواهد نشست و به مقاصد عالیه انقلاب نمی‌رسیم. این مشکلی است که از حوزه به جامعه سرایت کرده و محیط دانشگاهیان ما را هم گرفته است. وضع اسفناکی بر دانشگاه‌های ما احاطه یافته است. چند فیلسوف اخلاق در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها داریم؛ همانگونه که فقه جواهری از سوی حوزه‌ها ارائه شده است، باید اخلاق جواهری ارائه دهیم. بایستی اخلاق جواهری و کرسی‌های مربوط به آن فعال شوند تا علوم اخلاقی در جامعه ساری و جاری شوند.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد در پایان گفت: ما علم اخلاق نداریم، علوم اخلاقی داریم مانند علوم اجتماعی و علوم تربیتی که از مجموعه‌ای از دانش‌ها شکل گرفته‌اند. تأسیس دروس اخلاق در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها از اهم واجبات است. به غیر از یک مرکز تحقیقات اخلاق در قم و چند گروه اخلاق در پژوهشگاه‌های پیرامونی درباره فلسفه اخلاق و بالاتر از آن در فقه الاخلاق کاری صورت نداده ایم. باید در کنار فقه و کلام و اصول به مثابه یک رشته مستقل علوم اخلاق را دایر کنیم زیرا سهم یک چهارمی از ارکان دین را داراست.

دکتر صالحی امیری: همدلی و همگرایی در جامعه ایران از اهمیت بالایی برخوردار است

علم و دانش و حقوق ملت شده است و با نشاط کامل با وجود رنجی که در دوران جنگ تحمیلی بر او وارد شده است، دلش برای ملت ایران می‌تپد و نگران پایمال شدن حقوق مردم است و پیام او در این کتاب‌ها این است که جانش فدای حقوق ملت ایران است.

این نویسنده و پژوهشگر در ادامه به استفاده از کلمه «حقوق» اشاره کرد و گفت: برگزیدن نام «حقوق» بسیار زیباست و با حسن سلیقه انتخاب شده است زیرا کلمه «حق» یکی از اسماء‌الله است و در جامعه‌ای که حقوق محقق شود و دانش حقوق اجرا شود نشانه تجلی حق تعالی بر آن جامعه است. نمایندگان مجلس باید با رشادت، پشتیبان حقوق ملت ایران باشند زیرا این انقلاب با خون صدها شهید آبیاری شده است و آرزوی آنها احقاق حقوق ملت ایران است و ملتی که با حقوق بشر، حقوق شهروندی، حقوق مدنی فاصله داشته باشد، سعادتمند نمی‌شود.

با فرهنگی است و ما امروز در این مراسم حضور یافته‌ایم که از فرهنگ و فضیلت و اخلاق تجلیل کنیم و فراموش نکنیم که از بداخلاقی‌ها پرهیز کنیم.

صالحی امیری در ادامه سخنانش درباره محسن اسماعیلی گفت: امروز که خبر برگزاری مراسم را به جمعی از همکاران در شورای راهبردی سازمان دادم، یکی از دوستان به نقل از احمد بورقانی گفت که ریشه‌های خانواده محسن اسماعیلی اصیل و سالم است و فرزندان سالم این خانواده نتیجه وجود پدربزرگ خوبی است که آنها را پرورش داده است. آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد نیز در این نشست اظهار کرد: سی سال پیش محسن اسماعیلی را کشف کردم. او در تمام این سال‌ها در کنار من تحقیق می‌کرد و دوران سطوح عالیه را نزد من گذراند و وارد دانشگاه شد و امروز بسیار خرسندم که می‌بینم او فردی خدمتگزار به

